

پروژه آمریکا در نهایت برای بالکانیزه کردن خاورمیانه به کشورهای کوچکتر است، چیزی شبیه به آنچه که در بالکان (یوگسلاوی) انجام دادند. بطوری که، شما یک کشور شیعه عربی، یک کشور سنی، کردستان آزاد، و کشور مقدس اسلامی عربستان سعودی و غیره را دارید... اجازه بدهید بگوئیم که ما درباره جنگ علیه ایران صحبت می‌کنیم، البته، اسرائیل آشکارا هم‌دست اصلی آمریکا و ناتو در آن پروژه هستند. اما اساس دیگری در روابط آمریکا و اسرائیل وجود دارد. در واقع، اسرائیل همچنین اتحادی ناگفته و غیررسمی با فدراسیون روسیه دارد، و ما این تحول را دیده ایم، بطوری که ناتانیا هو یک رابطه شخصی با پوتین دارد. من هیچ قضاوتی نمی‌کنم؛ این به سادگی خیلی واقعی است. ما باید درک کنیم که آن‌ها یک رابطه شخصی نزدیک دارند. ما باید همچنین درک کنیم که بسیاری از مقامات ارشد نیروهای مسلح (در اسرائیل) از اتحاد جماهیر شوروی سابق هستند؛ آن‌ها در فدراسیون روسیه خانواده دارند بنابراین، یک رابطه دوجانبه بین اسرائیل و روسیه وجود دارد که در طول شماری از سال‌ها توسعه یافته است، و این بمعنای اینست که اگر هر نوع درگیری نظامی مستقیم اسرائیل علیه ایران که یک متحد روسیه است، پیش بیاید، ممکن است که بدین جهت مذاکراتی صورت پذیرد. ممکن است که مذاکراتی در سطح خیلی بالایی تشکیلات نظامی و اطلاعاتی آن دو کشور انجام گرفته شود. و اکنون، درست چند هفته قبل، مشاوران امنیت ملی آمریکا، اسرائیل و روسیه در اورشلیم (بیت المقدس) دیدار کردند. علی‌رغم همه اختلافاتی که بین آمریکا و روسیه وجود دارد، مشاوران امنیت ملی گفت و گوهایی دوستانه ای داشتند. اما من فکر می‌کنم چیزی که مهتر بود، گفتگوی دوستانه بین اسرائیل و روسیه بود. بنابراین دوباره، اتحادها از نظر تاریخی بین کشورهای مستقل شکل می‌گیرند، اما چیزی هست که ما آنرا اتحادهای متقابل توصیف می‌کنیم. اتحادهای متقابل یعنی این که شما با کشورهای متحدی که با دشمنان شما در اتحادند. بنابراین، روسیه دارای یک اتحاد متقابل با اسرائیل است و اسرائیل در یک اتحاد با آمریکا و ناتو قرار دارد. به عبارت دیگر، سیاست خارجی روسیه در ساختن این اتحادها، و همچنین چین جهت این امر بی‌نهایت هوشمندانه است... اتحادی بین اسرائیل و عربستان سعودی وجود دارد، که در واقع توسط آمریکا ساخته شده است، و آمریکا فکر می‌کند می‌تواند اسرائیل و عربستان سعودی را مجبور کند که به نمایندگی از او علیه ایران حمله کنند. من فکر نمی‌کنم که علی‌رغم اتحاد ناگفته بین اسرائیل و فدراسیون روسیه، چنانچه جنگی علیه ایران رخ بدهد، ایران به اسرائیل حمله کند. آن‌ها (ایرانی‌ها) به تأسیسات آمریکا در خلیج فارس حمله خواهند کرد، و این روشن است. که درست در آن طرف خلیج فارس، مسافتی بسیار کوتاه است. مگر این که، البته، اسرائیل در بمباران هوایی ایران مستقیماً درگیر باشد، که من فکر نمی‌کنم این اتفاق بیفتد. برای این که به دستور کار پنتاگون برگردیم، در حال حاضر، همان طوری که قبلاً ذکر کردم، این خیلی بعیدست که بتوان فراخوان یک جنگ تمام عیار، از نوع حمله رعدآسا به سبک جنگ عراق، افغانستان یا ویتنام داده شود. این خارج از بحث است. اما چیزی که بیش‌تر احتمال دارد، ادامه تشدید تحریم‌ها و همچنین تحریم‌های دیگر و امکان چیزی که پنتاگون می‌نامد، عملیات بینی خونین است، یعنی آن‌ها می‌روند تا اهداف مشخصی را در ایران بمباران کنند، که ممکن است تأسیسات هسته ای باشند. این مطمئناً همین الان در روی میز پنتاگون قرار دارد، اما حتی این، من شک دارم که آن‌ها چنین کنند... خوب، همیشه اشتباهاتی وجود دارد و افرادی مانند پمپئو و بولتون هستند که درک نمی‌کنند یا درک محدودی از مسائل نظامی دارند. من فکر نمی‌کنم که این اتفاق بیفتد، زیرا که ایران بلافاصله شروع به بمباران تأسیسات آمریکا در کویت و خلیج فارس می‌کنند. زیرا که عملاً در همسایگی (و تیررس) ایران قرار دارند، و خوب البته که این عمل نیز بطور اجتناب ناپذیری منجر به تشدید (جنگ) می‌شود. من فکر می‌کنم که ما الان باید درک کنیم که اشتباهات اغلب (عوامل) تعیین کننده تاریخ هستند. ما نمی‌توانیم مانع این واقعیت شویم که ممکن است پمپئو یا بولتون یا ترامپ بگویند، «خوب، بیائید برویم و آن‌ها/ایرانی‌ها را بمباران کنیم» یا اهداف مشخصی را (جهت بمباران) انتخاب کنند. همیشه یک امکان وجود دارد، برای این که آن‌ها قدرت تصمیم‌گیری دارند و اساساً عواقب را درک نمی‌کنند یا اهمیتی نمی‌دهند. اما اگر آن‌ها این‌را به سلسله مراتب ارتش و حتی پرسنل اطلاعاتی آمریکا ارائه دهند، من فکر می‌کنم که اجماع عمومی این خواهد بود که این عملیات یک خودکشی است، زیرا که شما در یک چنین جنگی پیروز نمی‌شوید. ما دیده ایم که برای مثل، چگونه آمریکا در شمال سوریه شکست خورد. آمریکا در یمن (هم) شکست خورده است. من فکر می‌کنم راهی را که اکنون آمریکا به آن می‌اندیشد، بیش‌تر نوعی حمایت مستقیم از سازمان‌های تروریستی از جمله (ام ایی ک)، سازمان مجاهدین خلق ایران [مجاهدین خلق] می‌باشد، که یک نهاد تروریستی است. و فکر می‌کنم این چیزی است که آن‌ها در فکرش هستند.

تزلزل در سیاست خارجی آمریکا و جنگ بدون متحدان؟

نوشته: میشل چوسودوفسکی و بونی فولکنر

برگردان: آماور نویدی

تزلزل در سیاست خارجی آمریکا: ناتو و خاورمیانه. چگونه می‌شود بدون متحدان جنگ راه انداخت؟



میشل چوسودوفسکی در زیر درباره تنش اخیر آمریکا با ایران در خلیج فارس؛

توانایی ایران به عنوان یک قدرت نظامی؛

تحزیه شورای همکاری خلیج (فارس)؛

پایگاه نظامی ال-اودید در قطر، بزرگترین پایگاه نظامی آمریکا در خاورمیانه، و قطر متحد ایران؛

شکست اتحاد استراتژیک پیش‌نهادی خاورمیانه، هم چنین معروف به ناتوی عربی؛

کودتای شکست خورده ژوئیه ۲۰۱۶ علیه پرزیدنت اردوغان؛

«اتحاد سه گانه» آمریکا/اسرائیل/ترکیه که اکنون به «حسن تفاهم سه گانه» ترکیه/ایران/روسیه تبدیل شده است؛

خرید سپر دفاع موشکی اس ۴۰۰ روسیه توسط ترکیه که بمنزله خروج بالفعل آن از ناتو می‌باشد؛

صف بندی مجدد ژئوپولیتیک خاورمیانه و عکس العمل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، بحث می‌کند.

به مصاحبه زیر به انگلیسی گوش کنید. ترجمه متن مصاحبه در زیر می‌آید.

<https://soundcloud.com/guns-and-butter-1/us-foreign-policy-in-shambles-nato-and-the-middle-east-michel-chossudovsky-409>

رادیو گان اند باتر

چیزی که من فکر می‌کنم مهم است، اینست که، ترکیه بطور بالفعل، دیگر بخشی از سازمان پیمان آتلانتیک شمالی نیست. شما ممکن است که متوجه شده باشید که عکس العمل واشنگتن و همچنین رسانه‌ها سکوت مطلق بوده است. پیامدها بر مجتمع نظامی و صنعتی (آمریکا) چشمگیر است و هر اتفاقی که بیفتد، خروج ترکیه از ناتو واقعی است.

و با خروج ترکیه از ناتو، بناگذر عواقبی خواهد داشت، و دیگر کشورهای عضو ممکن است که تصمیم به خروج از سازمان پیمان آتلانتیک شمالی بگیرند.

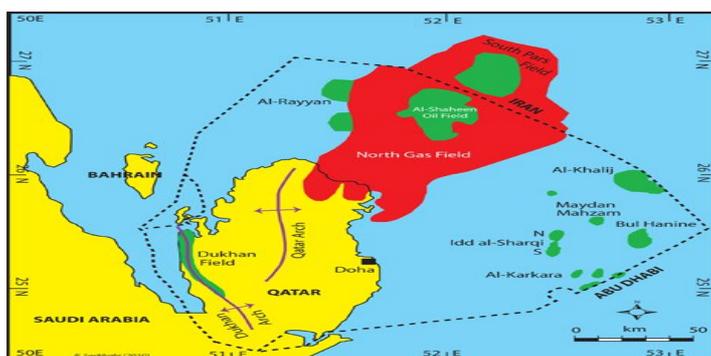
من **بونی فولکنر** هستم. امروز در رادیو گان اند باتر، **میشل چوسودوفسکی** شرکت می‌کند. برنامه امروز: **تزلزل در سیاست خارجی آمریکا- ناتو و خاورمیانه** است. **میشل چوسودوفسکی**، اقتصاددان و بنیان‌گذار، مدیر و سردبیر مرکز تحقیقات جهانی سازی است که مستقر در مونترال، کبک کانادا است. او نویسنده یازده کتاب است، از جمله، **جهانی سازی فقر و نظم جهانی نوین، جنگ و جهانی سازی: حقیقت پشت یازده سپتامبر، جنگ آمریکا علیه تروریسم و جهانی سازی جنگ، جنگ طولانی آمریکا علیه انسانیت**. امروز ما درباره **تورش اخیر آمریکا با ایران در خلیج فارس؛** توانایی ایران به عنوان یک قدرت نظامی؛ تجزیه شورای همکاری خلیج (فارس)؛ پایگاه نظامی ال-اودید در قطر، بزرگترین پایگاه نظامی آمریکا در خاورمیانه، و قطر متحد ایران؛ شکست اتحاد استراتژیک پیش‌نهادی خاورمیانه، همچنین معروف به ناتوی عربی؛ کودتای شکست خورده ژوئیه ۲۰۱۶ علیه پرزیدنت اردوغان؛ «اتحاد سه گانه» آمریکا/اسرائیل/ترکیه که اکنون به «حسن تفاهم سه گانه» ترکیه/ایران/روسیه تبدیل شده است؛ خرید سپر دفاع موشکی اس ۴۰۰ روسیه توسط ترکیه که بمنزله خروج واقعی آن از ناتو می‌باشد؛ صف بندی مجدد ژئوپولیتیک خاورمیانه و عکس العمل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، بحث می‌کنیم.

بونی فولکنر: میشل چوسودوفسکی، خوش آمدید.

میشل چوسودوفسکی: صبح بخیر. خوش‌حالم از این‌که در برنامه شما هستم.

بونی فولکنر: در ماه ژوئن، ۲۰۱۹، ایران یک هواپیمای بدون سرنشین (پهپاد) آمریکایی را که ادعا می‌کند در حریم هوایی آن‌ها بوده است، سرنگون کرد. این منجر به تهدیدات ترامپ شد. دو روز بعد ترامپ اظهار داشت که جت های آمریکا به سمت اهدافی در ایران می‌رفتند، اما ۱۰ دقیقه قبل از درگیری، او دستور قطع عملیات را صادر کرد. از این بیابیه عجیب و غریب، چه برداشتی دارید؟

میشل چوسودوفسکی: خوب، این بیابیه مملو از تناقض است و در واقع، پوشش رسانه ای آن حادثه بنظر می‌رسد که یک عنصر مهم را حذف کرده است، یعنی پایگاه هوایی ال-اودید در قطر که این حملات هوایی از آنجا راه اندازی می‌شد، که شامل ستاد فرماندهی پیش‌رو سنتکام آمریکا، اتفاقاً در کشوری است که نزدیک ترین متحد جمهوری اسلامی ایران، یعنی قطر است. قطر و ایران در بزرگترین پایگاه گاز طبیعی دریایی در جهان شریک هستند. این از نظر اقتصادی و انرژی، کاملاً استراتژیک است. آن‌ها باهم متحد هستند.



اما بخاطر بسیاری که ستاد فرماندهی سنتکام آمریکا، استقرار جت های جنگنده نهان اف ۲۲ نیروی هوایی آمریکا را متعاقب بیابیه ترامپ، در خارج از قطر تأیید کرده است. آن‌ها همچنین اظهار داشتند که این امر بخاطر دفاع از نیروها و منافع آمریکا در منطقه بوده است.

حال، چگونه است که معماران سیاست خارجی آمریکا بخود زحمت ندادند که بویژه، این پایگاه نظامی را تأیید کنند، که در واقع، مُلک قطر است، که یک امارت می‌باشد، و به احتمال زیاد، یکی از بزرگترین عملیات نیروی هوایی (آمریکا) بر روی زمین است- من از **واشنگتن پست** نقل قول می‌کنم.

حال، ستاد فرماندهی پیشرو سنتکام خاورمیانه در قلمرو دشمن واقع شده است. اکنون، یا کسانی که در وزارت امور خارجه و پنتاگون هستند کاملاً احمق هستند، یا بخوبی از قبل می‌دانند که نمی‌توانند این کار را انجام بدهند. این مکان مناسب نیست، بدین دلیل که کشوری است که مملو از تجار، و پرسنل امنیتی ایرانی، روسی و چینی است. قطر دیگر تحت اداره عربستان سعودی نیست. قطر اتحاد خود را با ایران اعلام نموده است. و بعد، با کمال تعجب، شورای آتلانتیک، که اندیش‌کده ای است که با هر دو پنتاگون و ناتو رابطه نزدیک دارد، تأیید کرده است که قطر حالا با هر دو ایران و ترکیه کاملاً متحد شده است. شما واقعاً نمی‌توانید به این موضوع بپردازید. پس این چیست؟ برنامه ریزی در هم و برهم نظامی، سیاست خارجی پیچیده، اطلاعات غیرواقعی؟

من شخصاً معتقدم که هرگز نقشه ای برای راه اندازی جنگ علیه ایران از این ستاد فرماندهی پیشرو سنتکام آمریکا در قلمرو دشمن موجود نیست. این یک (امر) غیرممکن است. اما بغیر از این عناصر دیگری وجود دارند. تمام ساختار اتحاد‌های نظامی موجود آمریکا در این‌چنین آشفتگی قرار دارند، که تاثر جنگ متعارف علیه ایران را عملاً غیرممکن می‌سازد.

بونی فولکنر: . در آخرین مقاله خود، یک جنگ متعارف بزرگ علیه ایران امکان‌پذیر نیست. بحران در ساختار فرماندهی آمریکا (۱)، شما دو منطقه حیاتی دیگر را بررسی کردید که حمله آمریکا به ایران را یک استراتژی موفق نمی‌بیند، برای مثال؛ قدرت نظامی ایران و تحول ساختار اتحاد‌های نظامی. قبل از هر چیز، شما چگونه ایران را به عنوان یک قدرت نظامی ارزیابی می‌کنید؟

میشل چوسودوفسکی: ایران دارای توانایی‌های پیشرفته، و همچنین دارای نیروی زمینی بسیار بزرگی است. ایران کشوری با حدود ۹۰ میلیون جمعیت است. ما با موقعیت عراق سال ۲۰۰۳ سروکار نداریم، کشوری که قبلاً ویران شده باشد. ما با کشوری روبرو هستیم که دارای قابلیت‌های پیشرفته ای است، که از جهات زیادی با ترکیه قابل مقایسه است، و متحدان بسیار قدرتمندی دارد. ایران با روسیه متحد است؛ و ما این را می‌دانیم. در حال حاضر، فکر نمی‌کنم که روسیه مداخله کند، اما اس ۴۰۰ که اخیراً به ترکیه تحویل داده شده است، قرار است که به ایران نیز تحویل داده شود. این نیز موضوعی است که تحلیل‌گران نظامی و رسانه‌های غربی به آن نپرداخته‌اند.

اگر به سال ۲۰۰۳ برگردید، زمانی که دونالد رامسفیلد یک حمله رعدآسا علیه جمهوری اسلامی ایران را تنظیم کرده بود. خوب، در سال ۲۰۰۳، متعاقب جنگ عراق طرحی وجود داشت، و در ادامه در سال ۲۰۰۵، آن‌ها چیزی داشتند که نقشه محاصره ایران نامیده می‌شد. حالا، وقتی که آن‌ها می‌گویند محاصره ایران، بدین معناست که کشورهای همسایه پروکسی (نیابتی) های آمریکا هستند. آن‌ها (از آمریکا) دستور می‌گیرند، و یا به ناتو و غیره وصل هستند.

اما حتی همان‌زمان هم، توصیه امنیت ملی (آمریکا) به تعویق انداختن آن جنگ (علیه ایران) بود. شرایط جهت راه اندازی جنگ در سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۵ موجود و به نفع آمریکا بود. اما حتی آن موقع هم آن‌ها تردید داشتند، زیرا که ایران دارای توانایی‌های موشکی، و نیروهای زمینی بزرگ بود، اما علی‌رغم محاصره، آن‌ها عملیات نظامی خود را به تعویق انداختند. سناریوهای متفاوتی وجود داشت که برنامه ریزی شده بودند.

اما امروز، اجازه بدهید که به جغرافی یا ژئوپولیتیک این منطقه نگاه کنیم. ترکیه هم مرز با ایران و (عضو) سنگین وزن ناتو است. در حال حاضر ترکیه دارای روابط عالی با ایران، کشور همسایه خود است. این یک اتحاد نظامی رسمی نیست، اما آن‌ها دارای روابط بسیار خوبی هستند. و ترکیه اکنون به آمریکا فهمانده است که شما نمی‌توانید از قلمرو ترکیه، چه از طریق نیروهای زمینی و چه با نیروی هوایی و غیره، علیه ایران جنگ بر راه بیندازید.

اما اگر شما به نقشه زیر نگاه کنید، هیچ کشوری وجود ندارد که آمریکا بتواند روی کمک آنها حساب باز کند، از جمله عراق. دولت عراق گفته است: «نه، ما به نیروهای آمریکایی در عراق اجازه عبور و مرور بسوی مرزهای ایران را نخواهیم داد.»



حالا، محور دیگری که وجود دارد، پاکستان است. تاجایی که ما به‌خاطر می‌آوریم، پاکستان چندین سال پیش متحد وفادار آمریکا بود، اما دیگر نیست؛ بلکه متحد سرسخت چین است. آمریکا نمی‌تواند در جنگ علیه ایران روی پاکستان حساب کند.

آمریکایی‌ها پاکستان را از دست داده‌اند. پاکستان دیگر یک متحد نظامی (برای آمریکا) نیست.

بعداً، شما چندین جمهوری سابق شوروی را دارید، که توافق نامه‌های همکاری با ناتو، و روابط خوب دوجانبه‌ای با آمریکا داشتند. من درباره‌ی آذربایجان فکر می‌کنم. خوب، درست دسامبر گذشته، ایران و آذربایجان باهم توافق نامه‌های همکاری نظامی امضاء کردند، و این بدان معناست که آمریکا دیگر نمی‌تواند روی آذربایجان حساب کند. به همین ترتیب، آمریکا نمی‌تواند روی ترکمنستان متکی باشد. این غیرممکن‌ست که از طریق افغانستان جنگ (علیه ایران) براه انداخت، زیرا که طالبان بخش بزرگی از قلمرو ملی (افغانستان) را اشغال کرده‌اند. بنابراین، جنگ زمینی غیرممکن‌ست و جنگ هوایی متعارف (علیه ایران)، فکر می‌کنم، نیز امکان‌پذیر نیست، زیرا که از نظر فضا هوایی سئوالاتی وجود دارد. و ما می‌دانیم که آمریکا برای انجام کارهای کثیف بشدت به متحدان خود متکی است.

بعدهم، البته، عربستان و کشورهای حوزه خلیج فارس هستند، و شورای همکاری خلیج فارس، که این شورا تجزیه شده است، و قطر، عمان و کویت حامی عادی سازی روابط با ایران هستند، که در مورد قطر فراتر از این می‌رود. اما آیا آمریکا می‌تواند روی کویت و عمان اتکاء کند؟ به هیچ وجه.

از یک‌طرف، عمان دارای روابط بسیار خوبی با ایران است، و همچنین ورود به تنگه هرمز از خلیج عمان به خلیج فارس را کنترل می‌کند. اگر شما به نقشه نگاه کنید، خوب، البته، پاکستان بخشی از دریای عرب را کنترل می‌کند، و اگر شما به دسترسی دریایی و تأسیسات نظامی آمریکا در خلیج فارس نگاه کنید، این کار آسانی نیست؛ شما باید داخل و خارج شوید، و باید یا از طریق آب‌های قلمرو ایران، یا آب‌های قلمرو عمان داخل و خارج شوید.



[شورای همکاری خلیج فارس]

واکنون با انشعاب از وسط در شورای همکاری خلیج (فارس)، شما چندین کشور، امارات دارید، که از نظر استراتژیکی بجای آمریکا، پشتیبان ایران هستند. و یک بُعد کاملاً استراتژیکی برای آن وجود دارد، زیرا که برای مثال، آمریکا پایگاه‌های نظامی در کویت دارد، پایگاه‌های نظامی در بحرین دارد، و بعدهم البته، همان‌طوریکه قبلاً اشاره کردم، آمریکا در قطر هم که هم‌آهنگ با ایران است، دارای پایگاه نظامی است. بنابراین، درحالی‌که شورای همکاری خلیج (فارس)، که البته قبل از هرچیز یک پروژه آمریکایی است، و در بحران به‌سر می‌برد، برای آمریکایی‌ها خیلی سخت است که یک عملیات دریایی اجرا کنند.

عامل دیگر این‌ست که حدود دو ماه پیش، آمریکا حامی پروژه ای بود که ناتوی عربی خوانده می‌شد، و این یک اتحاد استراژیکی خاورمیانه ای بود که باصطلاح قرار بود در ریاض، عربستان سعودی افتتاح شود. این پروژه در واقع، هرگز عملی نشد، زیرا که پروژه ای جهت ادغام شورای همکاری خلیج (فارس) با دو کشور دیگر بود، که اردن و مصر بودند. اکنون، مصر هم تصمیم گرفته است که کنار بکشد، و در واقع، مصری‌ها این جلسه را که در ریاض برگزار شد و ترامپ حضور داشت، تحریم کردند. این دومین سفر ترامپ به عربستان سعودی بود. اولین سفر ترامپ در سال ۲۰۱۷ بود. و در واقع، در سال ۲۰۱۷، آن‌ها ناتوی عربی را براه انداختند ولی در واقع آن به چیزی که منجر شد، از هم گسستن شورای همکاری خلیج (فارس) بود و در حال حاضر، این ناتوی عربی عملاً منسوخ شده است؛ این پروژه (آمریکایی) کارایی ندارد. هیچ کدام از کشورهای شرکت ندارند، بجز امارات و عربستان سعودی، و کل این منطقه هم متحول شده است. حداقل یا در حال بی‌طرفی و عادی سازی روابط خود با ایران هستند، یا مانند مورد قطر، متحد واقعی ایران می‌باشند.

بنابراین، منطقه بسیار آشفته است، و ساختار متحدان از هم گسیخته شده است، و بعد هم سؤال این‌ست، که شما چگونه می‌توانید جنگی براه بیاندازید، چنان‌چه متحدانی نداشته باشید؟

بونئی فولکنر: باتوجه به تحول ساختار نظامی متحدان، در ماه مه ۲۰۱۷، شورای همکاری خلیج (فارس) - که متشکل از عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی، قطر، بحرین و عمان بود- از هم گسیخته شده است. چه اتفاقی افتاد؟

میشل چوسودوفسکی: این یک مسئله بسیار پیچیده ای است. زمانی که ترامپ بار اول به ریاض رفت، جلسه برگزار شد. من فکر می‌کنم که این در تاریخ ۲۱ ماه مه بود. در ۲۱ ماه مه ۲۰۱۷، یک جلسه آمریکایی - اسلامی برگزار شد. باز هم، رسانه‌ها هرگز واقعاً به شرح وقایع این حوادث مهم و روابط متقابل نپرداختند. اما چیزی که در تاریخ ۲۱ ماه مه ۲۰۱۷ با تأیید مقامات رسمی آمریکا اتفاق افتاد، تصدیق پیش‌نهاد اتحاد استراتژیکی خاورمیانه بود، که متشکل بود از مصر، اردن، باضافه شش کشور شورای همکاری خلیج (فارس)، یعنی عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین، کویت، قطر و عمان.

بیش‌تر بخوانید: تغییر در اتحادهای نظامی: آمریکا علیه ترکیه اعلام جنگ می‌کند؟ (۲)

بنابراین در مجموع، ناتوی عربی باصطلاح قرار بود که اتحادی از هشت کشور باشد، که بعد بتواند تعهدی داشته باشد و وظیفه اش روشن بود. اساساً این وظیفه مقابله با ایران یا مقابله با نفوذ ایرانیان در خاورمیانه بود.

اکنون، چیزی که دو روز بعد در ۲۳ ماه مه ۲۰۱۷ اتفاق افتاد، متعاقب اظهارات ادعاشده امیر قطر مبنی بر حمایت از ایران، عربستان سعودی دستور محاصره و تحریم قطر را صادر کرد، و من فکر می‌کنم که این بیانیه صحیح است. قطر خود را با ایران هم‌آهنگ کرد و این ضرورتاً چیزیست که در جلسه ۲۱ ماه مه اتفاق افتاد- عربستان سعودی و آمریکا تصمیم گرفتند که قطر را از ناتوی عربی کنار بگذارند.

فکر می‌کنم که نمایش این بود. ما با یک ناتوی عربی داریم که از نظر تشریفاتی، این پروژه در ۲۱ ماه مه ۲۰۱۷ اتخاذ شد، باوجودی که می‌دانستند یکی از کشورهای عضو شورای هم‌آهنگی کشورهای خلیج (فارس)، یعنی قطر با دشمن هم‌آهنگ بود، که دو روز بعد محاصره اقتصادی شد. این یک اقدام جنگی بود. این یک محاصره بود که مرزها را بست، مسیرهای هوایی و دریایی را مسدود کرد و اساساً قطر را ایزوله کرد.

اما چیزی که اتفاق افتاد، چیزی نبود که آن‌ها می‌خواستند رخ دهد. چیزی که آن‌ها می‌خواستند، این بود که از شش عضو شورای همکاری خلیج (فارس) با پنج عضو از کشورهای عضو بروند، اما چیزی که اتفاق افتاد، این بود که باعث ایجاد

بحران در شورای همکاری خلیج (فارس) شد و کویت و عمان با قطر همسو شدند. بنابراین، شورای همکاری خلیج (فارس) از وسط تقسیم شد. و متعاقب آن، ناتوی عربی که نطفه اش در ۲۱ ماه مه ۲۰۱۷ با هشت عضو بسته شده بود، به پنج عضو رسید و سپس، چیزی که اتفاق افتاد آن شد که مصر هم کناره گرفت و اکنون اساساً چهار عضو دارد، که بخشی از هسته ناتوی عربی هستند، که در واقع، متشکل از عربستان سعودی، امارات، بحرین و اردن هستند. این ها چهار کشوری هستند که سرسختانه پشت ناتوی عربی هستند. دوباره، این یک شکست است، بعبارت دیگر، آمریکا، دولت ترامپ، اتحاد شورای همکاری خلیج (فارس) را عملاً در خاورمیانه از دست داده است. و نه فقط این، بلکه پایگاه پیشرو ستاد فرماندهی سنتکام آمریکا در قلمرو دشمن قرر دارد. من به آن‌ها تا آنجایی که به سیاست خارجی مربوط می‌شود، (نمره) منفی می‌دهم.

بونی فولکنر: از آنجایی که قطر و ایران در مالکیت بزرگترین میدان‌های گازی دریایی شریک هستند، بنظر من آن‌ها نیاز دارند که بایکدیگر متحد باشند. چه چیزی پشت محاصره (کامل) قطر توسط عربستان سعودی نهفته است؟ آیا عربستان سعودی میدان‌های گازی دریایی را می‌خواهد یا به آسانی عربستان سعودی اصرار بر انزوای ایران دارد؟

میشل چوسودوفسکی: من فکر می‌کنم که هدف اصلی این بود که قطر را از ناتوی عربی بیرون کند و شرایطی ایجاد کند، که شاید درون قطر تفرقه ایجاد نماید. من فکر می‌کنم که اولین هدف کوتاه مدت ایجاد تفرقه بود. آن‌ها اشاره کردند که یکی از اعضای شورای همکاری خلیج (فارس) با دشمن هم‌آهنگ است و آن‌ها خیلی سرسخت نیز نشان دادند، که قطر می‌تواند سریعاً به شورای همکاری خلیج (فارس) برگردد و روابط را حل و فصل کنند، اما قطری‌ها اول باید روابط خود با ایران را کنار قطع کنند، که آن‌ها هم هرگز این کار را نکردند.

زیرا که قبل از هر چیز بدین دلیل که ایران با قطر در میدان‌های گاز شمال، میدان‌های گازی شمال و جنوب، مالکیت مشترک دارد. باتوجه به حقوق دریایی این (کشور) دارای تقسیمات ارضی است، اما این یک سرمایه گذاری مشترک است. مالکیت آن برای دو کشور مشترک است و این خیلی مهم است. بنابراین، از آن‌ها بخواهند که این (مالکیت) را رها کنند، بویژه پس از بلوکه کردن قطر، فعلاً خیلی بعید است.

من پس از اتفاق ۱۷ ماه مه، چندین بار به قطر رفته ام و می‌توانم بگویم که، قبل از هر چیز، افکار عمومی قطر بسیار ضدسعودی است، حتی اگرچه از نظر فرهنگی نزدیکی‌هایی دارند و قطری‌هایی هستند که در عربستان سعودی زندگی می‌کنند. اما به علت رفتار بی‌رحمانه آن‌ها با قطری‌ها، این غیرممکن است که قطر هرگز به اتحاد با عربستان سعودی برگردد.

بنابراین، این نه قطر و مطمئناً ایران هم نیست که منزوی شده است، بلکه این عربستان سعودی است که ایزوله شده است. ایران با چندین متحد وفادار آمریکا روابط دوستانه ای دارد. ایران رابطه دوستانه با قطر، و همچنین با عمان و کویت را نیز کسب کرده است، نه این‌که بگوئیم که این‌ها کشورهایی هستند که از نظر استراتژیکی با ایران متحد هستند، بلکه آن‌ها روابط خوب را ارج می‌نهند. و بعدهم اگر بطور وسیع تری نگاه کنید، ایران دارای روابط خوبی با آذربایجان است، روابط خوبی با ترکیه دارد، روابط خوبی با عراق دارد و البته، دارای روابط عالی با پاکستان است. و این مهم است، زیرا که (بخاطر) مسئله بلوچستان، جایی که جنبش جدایی طلب وجود دارد. بلوچ‌ها هر دو در ایران و در پاکستان وجود دارند. البته، تحولاتی صورت گرفته است و این بسیار به دلیل این واقعیت است که هر دو کشور اکنون با یکدیگر همکاری میکنند.

بنابراین، شرایط این‌گونه است. و مصر، البته، که کشور قدرتمندی در خاورمیانه است، اعلام کرده است به اتحادی که علیه ایران است نمی‌پیوندد. نه این‌که بگویم دو کشور دارای روابط خوبی هستند، اما آن‌ها، ایران و مصر دارای روابط عادی هستند. اما مصر قصد ندارد به پروژه آمریکا بپیوندد که علیه ایران هدایت شده است.



بونی فولکنر: از آنجایی که پایگا ال-اودید نزدیک دوحه (عکس بالا)، در قطر، بزرگترین پایگاه نظامی آمریکا در خاورمیانه است، چرا آمریکا یا پرزیدنت ترامپ از محاصره کردن راه‌های زمینی، هوایی و دریایی قطر حمایت نمود؟

میشل چوسودوفسکی: خوب، در واقع آن‌ها بدین دلیل که از عربستان سعودی حمایت می‌کنند، از محاصره زمینی، هوایی و دریایی قطر پشتیبانی می‌کنند، اما آمریکا هنوز روابط تجاری و یک پیمان همکاری نظامی با قطر دارد. در واقع، رفتار آمریکا نسبتاً مرموز است، زیرا که آن‌ها یک توافق‌نامه همکاری نظامی جدید با قطر امضاء کرده اند، اما آن‌ها چگونه ای رفتار می‌کنند که گویی هیچ چیزی اتفاق نیفتاده است. آمریکا با قطر یک توافق دوجانبه امضاء کرده است، اما آن‌ها این واقعیت را اعلام نکرده اند که قطر با دشمن هم‌آهنگ است، یا روابطی دارد. آمریکا در ارتباط با روابط قطر با ایران هیچ نوع شرطی به قطری ها تحمیل نکرده است. و ترامپ دو سال پیش در اکتبر ۲۰۱۷، با امیر قطر در مجمع عمومی سازمان ملل ملاقات کرد.



می بینید که این یک نوع رابطه بسیار متناقض است. آمریکایی‌ها نمی‌خواهند بگویند که ما از قطر خارج می‌شویم و ستاد فرماندهی مرکزی خود را در جای دیگری برپا می‌کنیم؛ آن‌ها نمی‌گویند که این کار را می‌کنند. برخی از ساختارهای فرماندهی آمریکا انتقال یافته اند، بناچار، و دوباره، ستاد مرکزی در فلوریدا فعالیت می‌کند، اما پایگاه پیشرو در خاورمیانه بسیار حیاتی است.

مسئله اینست که، من فکر می‌کنم که واشنگتن نمی‌تواند تصمیماتی با ماهیت بحث برانگیز اتخاذ کند، که کم و بیش نشان دهد که قطر نقش دوگانه ای بازی می‌کند. قطر میزبان تأسیسات نظامی آمریکاست و در همان حال روابط بسیار خوبی با دشمن (ایران) دارد. بنابراین، وضعیت چنین است.

متوجه باشید که این نوع طرز برخورد با توجه به حصول اخیر سیستم دفاع هوایی اس ۴۰۰ توسط ترکیه از روسیه آشکار شده است، که معنای واقعی آن اینست که روسیه – ما اکنون این‌را برای سال‌ها می‌دانیم، اما روسیه و ترکیه اکنون متحدان نظامی هستند، زیرا که سیستم دفاع هوایی به همکاری نظامی در سطح بالا نیاز دارد. شما فقط تجهیزات را نمی‌فروشید، بلکه از نظر آموزش با یکدیگر همکاری و مشاوره می‌کنید، و پشت آن یک ژئوپولیتیک کامل قرار دارد، و چیزی که من فکر می‌کنم مهم است، اینست که از ۱۲ ژانویه (۲۰۱۹)، ترکیه بطور بالفعل دیگر بخشی از سازمان پیمان آتلانتیک شمالی نیست.

اکنون، شما ممکن است بیاد بیاورید که واکنش واشنگتن، همچنین رسانه ها سکوت کامل بوده است. آمریکایی ها می گویند، «خوب، اگر شما این کار را بکنید، تحریم هایی وجود دارند و ما شما را از برنامه جت جنگنده اف ۳۵ که یک برنامه ناتوی است، محروم می کنیم.» **عواقب آن در مجتمع نظامی و صنعتی قابل توجه است، برای این که اکنون ما رقابت بین آمریکا و روسیه را بر سر فروش تسلیحات می بینیم. بنابراین، میلیارد ها دلار سود در خطرست.**

اما در حال حاضر، فکر نمی کنم که آمریکا بگوید، «ترکیه، برو گمشو از ناتو». آن ها این را نمی گویند، اما چیزی که احتمال دارد، این است که ترکیه می گوید، «ما از ناتو خارج می شویم»، و هر چه هم که اتفاق بیفتد، ترکیه بطور قطع خارج از ناتوست. حالا، اگر برای مثال بیش تر از نقطه نظر داستانی و روابط عمومی بگوئیم که ما هنوز می خواهیم که ترکیه در ناتو بماند، و مزاحم (ناتو) نشویم، اما بناچار چنین می شود. و با خروج ترکیه از ناتو بناگریز عواقبی وجود دارد و دیگر کشورهای عضو ممکن است که انتخاب کنند که از سازمان پیمان آتلانتیک شمالی خارج شوند. این چیزی است که ما به آن خروج از ناتو می گوئیم، که نباید با برگزیت (خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا) اشتباه گرفته شود.

بونی فولکنر: شما می نویسد که اتحاد سه گانه آمریکا، اسرائیل و ترکیه، اکنون (به) حسن تفاهم سه گانه بین ترکیه، ایران و روسیه (تبدیل شده) است. بنظر می رسد که یک تغییر مهم در اتحاد های ژئوپولیتیکی بوجود آمده است، که شما درست شروع به توصیف آن کرده اید. نیرو های محرک اصلی این تغییر چیست؟



کشتی کوچک ماوی مرمرا بندر را ترک می کند

میشل چوسودوفسکی: در گذشته، در دهه ۹۰، اتحادی بین اسرائیل و ترکیه وجود داشت. این اتحادی دوجانبه و بسیار نزدیک بین ترکیه و اسرائیل بود. در حال حاضر، بدون این که وارد جزئیات شویم، این اتحاد از بین رفته است، و در رابطه با اقدامات اسرائیل علیه جنبش همبستگی فلسطین، این اتحاد نیز فروپاشیده است، و بخاطر بیاورید کشتی کوچک **ماوی مرمرا** را، که توسط نیرو های ارتش دفاع اسرائیل (آی دی اف) مورد حمله قرار گرفت. اما بنظر می رسد که آن اتحاد، رابط دوجانبه بین اسرائیل و ترکیه پایان یافته است.

و هنوز هم بین آمریکا و ترکیه رابطه دوجانبه وجود دارد، اما این رابطه نیز در شرایط بحرانی قرار دارد، و اتحاد سه جانبه اسرائیل/ترکیه/آمریکا یا آمریکا/اسرائیل/ترکیه در واقع، بر اساس دو توافق دوجانبه جداگانه بنا شده بود. اما حالا مطمئنا لازم به ذکر است که گفته شود، این اتحاد بین ترکیه و اسرائیل تا جایی که علیه سوریه هدف گیری شده بود، خیلی حیاتی بود. این (اتحاد) علیه سوریه و ایران هدایت شده بود، و تبادل اطلاعات و غیره نیز وجود داشت. بنابراین، ما (در) آن جا اساس دیگری داریم.

اجازه بدهید بگوئیم که ما درباره جنگ علیه ایران صحبت می کنیم، البته، اسرائیل آشکارا هم دست اصلی آمریکا و ناتو در آن پروژه هستند. اما اساس دیگری در روابط آمریکا و اسرائیل وجود دارد. در واقع، اسرائیل همچنین اتحادی ناگفته و غیر رسمی با فدراسیون روسیه دارد، و ما این تحول را دیده ایم، بطوری که ناتانیاهو یک رابطه شخصی با پوتین دارد. من هیچ قضایاتی نمی کنم؛ این به سادگی خیلی واقعی است. ما باید درک کنیم که آن ها یک رابطه شخصی نزدیک دارند. ما باید همچنین درک کنیم که بسیاری از مقامات ارشد نیرو های مسلح (در اسرائیل) از اتحاد جماهیر شوروی سابق هستند؛ آن ها در فدراسیون روسیه خانواده دارند. بنابراین، یک رابطه دوجانبه بین اسرائیل و روسیه وجود دارد که در طول شماری از سال ها توسعه یافته است، و این بمعنای این است که اگر هر نوع درگیری نظامی مستقیم اسرائیل علیه ایران که یک متحد روسیه است، پیش بیاید، ممکن است که بدین جهت مذاکراتی صورت پذیرد. ممکن است که مذاکراتی در سطح خیلی بالای تشکیلات نظامی و اطلاعاتی آن دو کشور انجام گرفته شود. و اکنون، درست چند هفته قبل، مشاوران امنیت ملی آمریکا، اسرائیل و روسیه در اورشلیم (بیت المقدس) دیدار کردند. **علی رغم همه اختلافاتی که بین**

آمریکا و روسیه وجود دارد، مشاوران امنیت ملی گفت و گوهای دوستانه ای داشتند. اما من فکر می‌کنم چیزی که مهم‌تر بود، گفتگوی دوستانه بین اسرائیل و روسیه بود.

بنابراین دوباره، اتحادها از نظر تاریخی بین کشورهای مستقل شکل می‌گیرند، اما چیزی هست که ما آن را اتحادهای متقابل توصیف می‌کنیم. اتحادهای متقابل یعنی این که شما با کشورهای متحدی که با دشمنان شما در اتحادند. بنابراین، روسیه دارای یک اتحاد متقابل با اسرائیل است و اسرائیل در یک اتحاد با آمریکا و ناتو قرار دارد. به عبارت دیگر، سیاست خارجی روسیه در ساختن این اتحادها، و همچنین چین جهت این امر بی‌نهایت هوش‌مندانه است.

بونو فولکنر: شما نوشته اید که از سال ۲۰۰۵، اسرائیل و ترکیه شرکای نزدیکی با آمریکا جهت حملات هوایی طراحی شده علیه ایران بوده اند. اگر ترکیه که حالا بطور واقعی از ناتو خارج می‌شود و اتحاد بین ترکیه و اسرائیل از بین رفته است، پس بنظر می‌رسد که این طرح‌های سال ۲۰۰۵ جهت حمله به ایران نیز منسوخ شده اند.

میشل چوسودوفسکی: بله، آن‌ها کاملاً منسوخ شده اند. ترکیه نمی‌خواهد در هر نوع حملات هوایی علیه ایران شرکت کند، زیرا که با ایران یک پیمان همکاری نظامی دارد. به همین سادگی. خوب، من مطمئن نیستم در چه سطحی. و بعد من شخصاً فکر نمی‌کنم که اسرائیل شریک وفاداری باشد که در گذشته در سال ۲۰۰۵ بود. من می‌گویم شریک وفادار آمریکا. من بخاطر می‌آورم که در دوران دولت بوش، دیک چینی مطلبی را گفت، «خوب، ما می‌گذاریم که اسرائیل این کار را بر ایمان انجام دهد»، بنابراین، آن‌ها اسرائیل را ترغیب می‌کردند که در واقع ایران را بمباران کند، البته با اهداف مشخص شده، و بعد هم این را به عنوان ابتکار اسرائیل ارائه می‌کردند، و واشنگتن می‌گفت، «خوب، شما می‌دانید، آن‌ها این کار (بمباران ایران) را برای ما انجام دادند، اما واقعا، ما از آن‌ها نخواستیم که ایران را بمباران بکنند.» من بیانیه های دیک چینی را در آن زمان بخاطر می‌آورم. اما علی‌رغم گزاره گویی های ضدایرانی او در اسرائیل یا توسط رهبران اسرائیلی از جمله ناتانیاوو، فکر نمی‌کنم که اسرائیل تحت هر شرایطی اولین گام را در عمل علیه ایران بردارد.

و تا آنجایی که به عملیات گسترده تر دخالت متحدان بر می‌گردد، من فکر نمی‌کنم که این اتفاق بیفتند. اتحادی بین اسرائیل و عربستان سعودی وجود دارد، که در واقع توسط آمریکا ساخته شده است، و آمریکا فکر می‌کند می‌تواند اسرائیل و عربستان سعودی را مجبور کند که به نمایندگی از او علیه ایران حمله کنند. من فکر نمی‌کنم که علی‌رغم اتحاد ناگفته بین اسرائیل و فدراسیون روسیه، چنانچه جنگی علیه ایران رخ بدهد، ایران به اسرائیل حمله کند. آن‌ها (ایرانی ها) به تأسیسات آمریکا در خلیج فارس حمله خواهند کرد، و این روشن است. که درست در آن طرف خلیج فارس، مسافتی بسیار کوتاه است. مگر این‌که، البته، اسرائیل در بمباران هوایی ایران مستقیماً درگیر باشد، که من فکر نمی‌کنم این اتفاق بیفتد.

برای این‌که به دستور کار پنتاگون برگردیم، در حال حاضر، همان طوری که قبلاً ذکر کردم، این خیلی بعیدست که بتوان فراخوان یک جنگ تمام عیار، از نوع حمله رد آسا به سبک جنگ عراق، افغانستان یا ویتنام داده شود. این خارج از بحث است. اما چیزی که بیشتر احتمال دارد، ادامه تشدید تحریم ها و همچنین تحریم‌های دیگر و امکان چیزی که پنتاگون می‌نامد، عملیات بینی خونین است، یعنی آن‌ها می‌روند تا اهداف مشخصی را در ایران بمباران کنند، که ممکنست تأسیسات هسته ای باشند. این مطمئناً همین الان در روی میز پنتاگون قرار دارد، اما حتی این، من شک دارم که آن‌ها چنین کنند... خوب، همیشه اشتباهاتی وجود دارد و افرادی مانند پمپئو و بولتون هستند که درک نمی‌کنند یا درک محدودی از مسائل نظامی دارند. من فکر نمی‌کنم که این اتفاق بیفتد، زیرا که ایران بلافاصله شروع به بمباران تأسیسات آمریکا در کویت و خلیج فارس می‌کنند. زیرا که عملاً در همسایگی (و تیررس) ایران قرار دارند، و خوب البته که این عمل نیز بطور اجتناب ناپذیری منجر به تشدید (جنگ) می‌شود.

من فکر می‌کنم که ما الان باید درک کنیم که اشتباهات اغلب (عوامل) تعیین کننده تاریخ هستند. ما نمی‌توانیم مانع این واقعیت شویم که ممکنست پمپئو یا بولتون یا ترامپ بگویند، «خوب، بیائید برویم و آن‌ها/ایرانی‌ها را بمباران کنیم» یا اهداف مشخصی را (جهت بمباران) انتخاب کنند. همیشه یک امکان وجود دارد، برای این‌که آن‌ها قدرت تصمیم‌گیری دارند و اساساً عواقب را درک نمی‌کنند یا اهمیتی نمی‌دهند. اما اگر آن‌ها این را به سلسله مراتب ارتش و حتی پرسنل اطلاعاتی آمریکا ارائه دهند، من فکر می‌کنم که اجماع عمومی این خواهد بود که این عملیات یک خودکشی است، زیرا که شما در یک چنین جنگی پیروز نمی‌شوید. ما دیده ایم که برای مثل، چگونه آمریکا در شمال سوریه شکست خورد. آمریکا در یمن (هم) شکست خورده است.

من فکر می‌کنم راهی را که اکنون آمریکا به آن می‌اندیشد، بیش‌تر نوعی حمایت مستقیم از سازمان‌های تروریستی از جمله (ام ایی ک)، سازمان مجاهدین خلق ایران [مجاهدین خلق] می‌باشد، که یک نهاد تروریستی است. و فکر می‌کنم این چیزیست که آن‌ها در فکرش هستند.



بونی فولکنر: درباره کودتای ژوئیه سال ۲۰۱۶، علیه اردوغان رئیس جمهور ترکیه چه دانید؟ هم چنین گزارش های گسترده ای بوده است که می گویند این فدراسیون روسیه بود که بموقع به اردوغان خبرداد که از محل اقامت تعطیلات خود فرار کند. برفرض که این کودتا واقعی باشد و درواقع، آمریکا پشت آن بوده باشد، آیا این حادثه می توانست کافی باشد تا اردوغان را علیه آمریکا و به سمت روسیه بکشاند؟ و چرا آمریکا می خواست از شر اردوغان خلاص شود؟

میشل چوسودوفسکی: خوب، من فکر می کنم که مطمئناً تلاش کودتای ترکیه در ژوئیه ۲۰۱۶، به یک نقطه عطف مهم اشاره داشت. این بلافاصله تقریباً به یک صف آرایی مجدد از اتحادها منجر شد. ما بیاد می آوریم که قبل از کودتا رابطه خصمانه ای بین ترکیه و روسیه وجود داشت، و این واقعیت که ترکیه ورود کشتی های جنگی را به دریای سیاه تسهیل می کرد. و اردوغان متعاقب کودتا، قبل از هرچیز، فکر می کنم که در واقع تصمیم گرفت که روابط ترکیه با آمریکا را محدود کند. درباره این شکی نیست، و این ترجیحاً بتدریج انجام گرفته است، اما بدون این که وارد جزئیات شویم که چه اتفاق افتاده است، من مطمئناً فکر می کنم، بله، این باعث جدایی شد. و بریزدنت اردوغان گفت که آمریکا در کودتا همدست بود. او این را اعلام کرد. این مربوط به شخصیت فتح الله گولن، کسی بود که ظاهراً پشت کودتای شکست خورده بود. اما درست همان گونه که شما اشاره کردید، من فکر می کنم که این شروع - خوب، ما درباره یک دوره تقریباً سه ساله حرف میزنیم؛ که در ۱۵ ژوئیه بود، و همین هفته بود. بنابراین، در طول سه سال ساختار اتحادها متحول شده است.

بونی فولکنر: قطعاً، و این جالب است که درواقع، این روسیه بود که به اردوغان درباره کودتا خبر داد... ترکیه قبلاً به یک جت روسیه در آسمان سوریه شکیک کرده و آنرا نابود ساخته بود، بنابراین، اگر پوتین پشت خبر دادن به اردوغان باشد، این یک حرکت قشنگ هوشمندانه از سوی او بوده است، شما فکر نمی کنید؟

میشل چوسودوفسکی: من فکر می کنم که پوتین یک سیاستمدار بسیار زیرک با سابقه اطلاعاتی است. او موفق شده است روابط شخصی خوبی با شماری از رهبران (جهان)، از جمله اردوغان داشته باشد. ترکیه را فکر نمی کنم، حتی اگر نوعی از کودتا توسط آمریکا باشد، من فکر نمی کنم، که اساساً منجر به تغییر در اتحادهای ژئوپولیتیکی بشود. بنظر من، ترکیه از ابتدای جنگ سرد متحد آمریکا بوده است، اما باز، من فکر می کنم که سال ۲۰۱۶ نقطه شروع ساختار جدید اتحادهاست. و توجه کنید که چیزهای زیادی در این (مورد) وجود دارد. درست اخیراً، بریزدنت اردوغان با رهبران جمهوری های سابق شوروی رایزنی کرد. البته، یک دستور کار در آسیای مرکزی وجود دارد، و پس از آن نیز اکنون ترکیه شریکی ناظر در سازمان همکاری شانگهای است. اکنون اساساً سازمان همکاری شانگهای تحت سلطه دو کشور بزرگ، چین و روسیه است، و بعد از این جمهوری های سابق شوروی را دارید. اما اکنون، شماری از کشورها هستند که یا شریک یا ناظرند، و این درواقع، بسوی تغییر در اتحادها حرکت می کند. آن ها خود را به عنوان یک اتحاد نظامی اعلام نمی کنند، اما درواقع هستند. اعضای سازمان همکاری شانگهای از کشورهای گوناگونی هستند و بعد از آن هم پیمان های نظامی (بین آن ها) وجود دارد، اما از نظر رسمی بخشی از سازمان همکاری شانگهای نیستند.

اکنون، پاکستان یک عضو رسمی سازمان همکاری شانگهای است. هند همچنین یک عضو رسمی است، که بمعنای اینست که اگر اختلافاتی بین هند و پاکستان وجود دارد، آن ها باید تحت توجهات سازمان همکاری شانگهای نظارت شوند؛ و این یکی از قوانین آن هاست. بنابراین، دوباره، هردو چین و روسیه اکنون در آسیای جنوبی وارد شده اند. خوب، دولت مودی همان طوریکه در هند ایستاده است، در حال ساخت یا بازسازی اتحاد خود با آمریکا است، اما این اتحاد با آمریکا بسیار ضعیف است، زیرا که اگر تغییری در دولت هند اتفاق بیفتد، در واقع ممکن است که مسیر دیگری درپیش بگیرد. و آن ها در حال ساختن یک اتحاد نظامی با آمریکا هستند، درحالی که در همان حال هم یک عضو رسمی از سازمان همکاری شانگهای هستند.

بنابراین، این خیلی خیلی گسترده تر است. ساختار اتحادها در حال فروپاشی است. چیزی که در حال آشکار شدن است، راه های جدید سرمایه گذاری، البته، جاده و کمربند چین و صف بندی های مختلف بسیاری از کشورهای است که از غرب دور می شوند و خود به پروژه اوراسیایی ملحق می کنند. من فکر می کنم که دوباره، اگر ترکیه از ناتو خارج شود، تغییرات بیش تری در چشم انداز اروپا رخ می دهد با کشورهای که احتمالاً از سازمان پیمان آتلانتیک شمالی خارج شوند.

بونى فولکنر: در مقاله خودتان، با عنوان درحالی که موشک های روسی به ترکیه وارد می شوند، اردوغان از روبیکون عبور می کند، شما نوشتید که، «خروج واقعی ترکیه از ناتو نشانه ای از تغییر تاریخی در ساختار اتحادهای نظامی است، که بطور بالقوه به تضعیف هژمونی آمریکا در خاورمیانه کمک می کند و همچنین شرایطی ایجاد می کند که منجر به تجزیه سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، ناتو می شود.» ترکیه چقدر برای بقای ناتو مهم است؟

میشل چوسودوفسکی: خوب، این خیلی مهم است، زیرا که ترکیه پس از آمریکا، سنگین وزن ناتو است. نیروهای متعارف ترکیه حتی در مقایسه با کشورهایمانند آلمان، فرانسه و بریتانیا قابل توجه هستند. ترکیه دارای بزرگترین نیروهای متعارف سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است. اگر قرار است که ناتو در جنگ در خاورمیانه برهبری آمریکا درگیر باشد، ترکیه تنها کشور عضو ناتوست که در خاورمیانه پا دارد. و متعاقباً، من دوباره می گویم، این برای آمریکا خیلی دشوار است که اتحادی منسجم علیه ایران بسازد، که ترکیه در درون ساختار ناتو نباشد.

اگر ما وضعیت ناتو را با توجه به روسیه در اروپای شرقی مقایسه کنیم، بسیار منسجم ترست و قدرت گفتمان منسجم تری دارد، اما آن هم میتواند ترک بردارند. در درون ناتو نوعی اجماع وجود دارد، اما این یک ابتکار تبلیغاتی است، در واقع، برای این که مدام بما گفته اند که روسیه می خواهد به اتحادیه اروپا حمله کند. مردم هدایت شده اند تا باور کنند که آنها باید در برابر تهاجم روسیه از اتحادیه اروپا دفاع کنند. اما این گفتمان بمراتب در درون چشم انداز اروپا منسجم ترست تا در درون دورنمای خاورمیانه. آمریکا به شرکای خود در اتحادیه اروپا اتکا می کند، بویژه آلمان، فرانسه و همچنین بریتانیا، اما در حال حاضر اوضاع بریتانیا آشفته است. تانجایی که به ساخت مجموعه ای از اتحادها در ارتباط به خاورمیانه برمی گردد، آنها گرفتار هستند. و آنها گرفتار هستند، زیرا که ترکیه با دشمن (ایران) هم آهنگ است، و اعضای شورای همکاری خلیج (فارس) نیز با دشمن هم آهنگ هستند، و پاکستان با دشمن هم آهنگ است. بنابراین، موقعیت چنین است.

بونى فولکنر: آیا ما هرگز فهمیده ایم که چرا آمریکا می خواست اردوغان را عزل کند؟ من هرگز این را نفهمیده ام.

میشل چوسودوفسکی: اجازه بدهید کمی به عقب برگردیم. این کاملاً به سال ها قبل برمی گردد. آمریکا تعریف جدیدی از مرزهای خاورمیانه در نظر داشت، و آن را خاورمیانه جدید می خواند. و آمریکایی ها نقشه ای داشتند، که اساساً ساختار شکلی از خاورمیانه را ارائه میداد که باید باشد. من فکر می کنم که این نقشه برای بار اول منتشر می شد... خوب، این بیش از ده سال پیش، در سال ۲۰۰۶ بود. این نقشه توسط سرهنگ رالف پیترز طراحی شده بود، اما در ژورنال نیروهای مسلح منتشر شده بود، و در آکادمی جنگ ملی ارائه شد، که برای مقاصد آموزشی بکار گرفته می شد. و ظاهراً چیزی که اتفاق افتاد اینست که این نقشه نیز در کارگاه های ناتو مورد استفاده قرار می گرفت. ما در مورد یک دکترین نظامی صحبت می کنیم، زیرا که این نقشه اساساً ترکیه را به دو قسمت تجزیه می کند. این نقشه ترکیه و سپس کردستان آزاد را دارد، که کردستان آزاد متشکل شده است از کردهای عراق، ترکیه، و ایران. بنابراین، آنها یک کشور جدید ایجاد کرده اند.





پروژه آمریکا در نهایت برای بالکانیزه کردن خاورمیانه به کشورهای کوچکتر است، چیزی شبیه به آنچه که در بالکان (یوگسلاوی) انجام دادند. بطوریکه، شما یک کشور شیعه عربی، یک کشور سنی، کردستان آزاد، و کشور مقدس اسلامی عربستان سعودی و غیره را دارید. این نقشه در حوزه های نظامی کاملاً معروف و تجزیه و تحلیل شده است.



اما خشم اساسی ترکیه از آمریکا اینست که آمریکایی ها و ناتو میخواستند ترکیه را اساساً تجزیه کنند. اما پروژه اردوغان (کشور) عثمانی بزرگ ترست؛ که گسترش نفوذ ترک ها فراتر از مرزهای ترکیه باشد و مطمئناً هرگونه تجزیه قلمرو ملی ترکیه را قبول نمیکنند. در واقع، اگر شما به نقشه نگاه کنید- این نقشه آکادمی جنگ آمریکا بود- و آنها ترکیه را به دو نیمه تقسیم کرده اند.

بنابر این، این پیشزمینه بود. ترکها به واقعت محرم اسرار آمریکا آگاه بودند، و مدارکی هم موجودست که در نهایت نشاندهنده نیت آمریکا در تقسیم ترکیه بود، همانگونه که یوگسلاوی را در نهایت تجزیه کردند. من فهمیده ام که در یک مقطع زمانی نقشه به نظر اعضا یا کارمندان ناتو رسیده است، و نمایندگی ترکیه زمانی که این نقشه را دیده، از آن نشست بیرون رفته است. آمریکاییها و ناتو خودرای بودند، و به ترکها بسیار توهین کرده اند.

بنوی فولکنر: میشل چوسودوفسکی، خیلی ممنون.

میشل چوسودوفسکی: متشکرم، خوشحالم، بسیار متشکرم.

من با میشل چوسودوفسکی صحبت کرده ام. برنامه امروز درباره تزلزل در سیاست خارجی آمریکا- ناتو و خاورمیانه بوده است. میشل چوسودوفسکی، اقتصاددان و بنیانگذار، مدیر و سردبیر مرکز تحقیقات جهانی سازی است که مستقر در مونترال، کبک کانادا است. او نویسنده یازده کتاب است، از جمله، جهانی سازی فقر و نظم جهانی نوین، جنگ و

جهانی سازی: حقیقت پشت یازده سپتامبر، جنگ آمریکا علیه تروریسم و جهانی سازی جنگ، جنگ طولانی آمریکا علیه بشریت.

وب سایت Global Research، globalresearch.ca

رادیوی گان اند باتر توسط بونی فولکنر و یارو ماخو و تونی رانگو ارائه می‌شود. جهت گوش دادن به برنامه های گذشته، اظهار نظر به برنامه یا پیوستن به لیست ایمیل ما برای دریافت خبرنامه ما که شامل برنامه های اخیر و به روز شده است از سایت ما دیدن کنید. با ما با ایمیل یا با توئیتر در آدرس های زیر تماس بگیرید:

gunsandbutter.org

faulkner@gunsandbutter.org

Twitter at gandbradio

برگرداننده شده از:

US Foreign Policy in Shambles: NATO and the Middle East. How Do You Wage War Without Allies?

By [Prof Michel Chossudovsky](#) and [Bonnie Faulkner](#)

<https://www.globalresearch.ca/us-foreign-policy-shambles-nato-middle-east/5684713>

منابع:

(۱)-

<https://amadornavidi.wordpress.com/2019/07/22/جنگ-بزرگ-متعارف-علیه-ایران-غیرممکنست-ب/>

<https://mejalehhafteh.com/2019/07/22/جنگ-بزرگ-متعارف-علیه-ایران-غیرممکن%80%8C%ست>

A Major Conventional War Against Iran Is an Impossibility. Crisis within the US Command

Structure By [Prof Michel Chossudovsky](#)

<https://www.globalresearch.ca/a-major-conventional-war-against-iran-is-an-impossibility-crisis-within-the-us-command-structure/5682514>

(۲)-

Shift in Military Alliances: America Declares War on Turkey? #NATOExit?

https://www.globalresearch.ca/shift-in-military-alliances-america-declares-war-on-turkey-nato-in-disarray/5651137?utm_campaign=magnet&utm_source=article_page&utm_medium=related_articles